

جنبش اول مه را به روز سازمانیابی کارگری و نبرد علیه نظام سرمایه داری تبدیل کنیم!

طبقه ما امسال هم ماه مه دیگری آکنده از جنگ، فقر، بیکاری را پیشروی خود دارد. اینبار هم در شرایطی به استقبال ماه مه می رود که گلوله های طبقه بورژوازی سینه های کارگران را آماج سبُعانه ترین حملات خود قرار می دهد. آنان را به جرم بدیهی ترین مطالبات شان به خاک و خون می کشانند. پاسخ به خواسته ها و مطالبات ناچیز اقتصادی کارگران از سوی حکام سرمایه با گلوله و شکنجه و پیگرد پلیسی داده می شود. امسال هم در تداوم سالهای سیاه حاکمیت نظام توحش و بربریت سرمایه ماه مه دیگری از راه می رسد. جنبش کارگری بدون هیچ افق روشن سیاسی طبقاتی همچنان نظاره گر وقایع هولناکی است که روزانه نظام سرمایه داری به کل بشریت تحمیل می کند. جنگ، فقر، بیکاری، جهالت مذهبی، ناسیونالیسم و راسیسم، اعتیاد، فحشاء، برای طبقه ما و کل بشریت به یک وضعیت دائمی تبدیل شده است. جنبش کارگری برغم تمامی اعتراضات اعتصابات، جنگ و گریزهای در جریان با بورژوازی، اما این جنبش همچنان فاقد یک چشم انداز و افق طبقاتی کمونیستی است. جنبش اول مه در پی سالها شکست و عقب نشینی میتواند نمایانگر این حقیقت تاریخی باشد، طبقه کارگر در این دوره از حیات نظام سرمایه داری، بدون داشتن استقلال طبقاتی انقلابی و صفی متحد و رزمنده، بدون اتکا به داشتن یک راه حل شفاف کمونیستی، حتی قادر نخواهد بود تا به ابتدائی ترین مطالبات خود برسد.

سیمای کنونی جهان

در پنج قاره جهان میلیونها کارگر و زحمتکش مشغول به تولید ثروت های بی پایانی هستند. درازای تولید انبوه سرمایه های اجتماعی فقط رنج و بی حرمتی و محرومیت است که نصیب طبقه ما می گردد. تجارب تاریخی طبقه کارگر بین المللی به او نشان داده است. رسیدن به مطالبات رفاهی اقتصادی و هر نوع خواسته دیگر در عصر انحطاط نظام سرمایه داری، مقابله با یورش بورژوازی به سطح معیشت کارگران. تنها و تنها با مسلح شدن به آگاهی طبقاتی انقلابی و کمونیستی میتوان به مصاف بی حقوقی های همه نوعی سرمایه رفت. طبقه ما تا مادام که با کله بورژوازی راه می رود همچنان روند استثمار و کارمزدی ادامه دارد. جنبش کارگری در دوره کنونی با رجعت به سنت اتحادیه کمونیست های انترناسیونال مارکس، میتواند با تفکر و درایت طبقاتی برای رهائی انسان نوعی تدبیری واقعی بی اندیشد. پرولتاریای انقلابی با عدم تمکین به راه حلهای بورژوازی با دست رد کوبیدن به تمامی فرمولبندیهای رنگارنگ، اعم از اتحادیه گرائی، سندیکالیسم و احزاب منحن منتسب به دستگاه نظری چپ سرمایه است که میتواند ره به پیش بگشاید و پیشروی سیاسی نماید. جنبش اول مه میتواند آغاز تدارک و تحرکی باشد برای فتح و باز پس گیری جبهه اصلی پیکار طبقاتی پرولتاریا. باید با شعار نابود باد استثمار نابود باد نظام سرمایه داری دست از کار کشید و به خیابانها ریخت. مارش شکوهمند طبقاتی انقلابی، زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری علیه نظام ظالمانه سرمایه داری را هرچه رساتر کرد. کاپیتالیستها در تداوم سیاستهای تجاوزکارانه خود با تمامی سبُعیت و وحشیگری برای ارزش افزائی سرمایه های بیشتر از هیچ جنایت و تعرضی علیه کل بشریت دست بردار نیستند. جنگ، اشغال نظامی، جنگهای قومی نژادی، مذهبی، فقر، گرسنگی، بیکاری میلیونی در ابعادی فاجعه بار در حال گسترش است. نظام سرمایه داری برای ثابت نگهداشتن نرخ سود معین خود تمهیدات بالفعلی را بکار بسته و می بندد. اجرای سیاست های پولی و صنعتی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول از جمله اقداماتی است که تا کنون این موسسات انجام داده اند. موسسات مالی یاد شده تحت عنوان دروغین کمک به توسعه اقتصادی کشورهای فقیر و در حال توسعه شدیدترین ریاضت های اقتصادی را به این کشورها تحمیل کرده اند. اتخاذ این سیاستهای جنایتکارانه منجر به بیکارسازی میلیونها کارگر زحمتکش در سراسر جهان شده است.

نبرد نظری و سازمانیابی کارگران

جنبش اول مه باید به بر پائی روز عزم و اراده پرولتاریا برای سازمانیابی واقعی کمونیستی تبدیل شود.

طبقه کارگر به موازات اعتراضات اقتصادی می بایست جبهه پیکار ایدئولوژیک سیاسی را برای باز پس گیری سنگر اصلی مبارزه طبقاتی تدارک ببیند. این جبهه نبرد نظری چندین دهه است که توسط مبلغین و آکادمیسین های بورژوازی با فریب و خدعه و نیرنگ تسخیر شده است. آنان به دروغ خود را سوسیالیست کمونیست می نامند ولی در عمل وظیفه اصلی شان جاودانه کردن این نظم و این سیستم جهانی است. طبقه ما برای تصرف و تسخیر این جبهه نظری و عملی باید مبارزه ای را جهت در هم کوبیدن این دستگاه های نظری رنگارنگ چپ سرمایه آغاز کند. این امر مهم و تاریخی نیازمند تدوین یک تئوری و برنامه مارکسیستی برای دستیابی به یک مشی و برنامه کمونیستی انقلابی است. طبقه ما در کوران این راه پر پیچ و خم تاریخی می آموزد چگونه به مصاف معضلات اساسی پیشاروی جنبش کارگری برود. فعالین انتقادی درون جنبش کارگری می آموزند؛ باید در راستای متکی شدن به راه حل کمونیستی پا را از دایره شکست و مبارزه فرا تر نهند. طبقه ما می آموزد چگونه خویش را به سلاح نقد مارکسی برای کنار زدن جنبش های بورژوائی که بنام مارکسیسم به خلع سلاح نظری جنبش کارگری پرداخته اند مسلح گردد. طبقه ما می آموزد چگونه مارکسیسم انقلابی را از زیر خروارها آوار روایات مختلف بورژوائی بیرون کشید و این سلاح برنده نظری را صیقل داد. نقد نظری دستگاه های مختلف بورژوائی توسط فعالین پیشرو کارگری اساسی ترین گامی است در راستای سازمانیابی واقعی کارگران انقلابی. فعالین انتقادی درون جنبش کارگری با درس آموزی از شکست های متوالی رفته رفته می آموزند و درمی یابند که باید با سر آگاه طبقاتی خود حرکت کرد. محافل کارگران کمونیست بدون توجه به همه این جنجال آفرینی های رایج چپ سرمایه آرام و با شکیبائی طبقاتی خود در حال گذار برای ایجاد یک قطب رزمنده کارگری کمونیستی هستند. یکی از اشکال اساسی سازمانیابی کارگری در برهه کنونی تشکیل شوراهای برای پیشبرد مبارزات اقتصادی و سیاسی جنبش کارگری است. زیرا این نوع سازمانیابی تضمین کننده دخالتگری مستقیم کارگران در مبارزات روزمره، در این حال این مدلی است از نوع اداره امور جامعه آینده. این شوراهای در پروسه تحولات جامعه و تکامل مبارزه طبقاتی، بنا به ضرورت گسترش مبارزه سراسری و متشکل، بمثابة نیروهای اصلی برای ساختن حزب کارگران کمونیست می باشند.

مبارزه طبقاتی و محافل سرمایه

با فروپاشی نوع مدل اقتصادی بنام سرمایه داری دولتی در بلوک شرق. منادیان سرمایه به همراهشان آکادمیسین های دستگاه چپ سرمایه و ژورنالیسم قلم به مزدش پایان عمر مبارزه طبقاتی و کمونیسم را اعلام نمودند. آنان به اشکال مختلف برای مرعوب کردن طبقه ما تئوری های جدیدی را فرموله کردند. آکادمیسین های محافل چپ سرمایه در تئوری های اشان وعده های دروغین دمکراسی، نشان دادن مدینه فاضله رفاه اقتصادی بازار آزاد را نوید می دادند. اعلام اینکه نظام سرمایه داری تنها آلترناتیو موجود است. رویاهای شیرین تئوری های پوچ و غیر علمی این مدیحه سرایان بورژوازی چند سالی بیشتر دوام نیاورد. آنانیکه در پی فروپاشی بلوک شرق بدنبال باران رحمت سرمایه بودند با خیل عظیم میلیونی گرسنگان و کارگران بیکار روبرو شدند که بورژوازی را به مصاف می طلبید.

طبقه کارگر ایران بمثابة بخشی از طبقه کارگر جهانی در شرایطی به استقبال اول ماه مه می رود که صدها تن از همزمانشان در نبرد علیه نظام سرمایه داری یا به خاک افتاده اند و یا در زیر وحشیانه ترین شکنجه های حکام جهل و خرافه سرمایه اسلامی قرار دارند. رژیم سرمایه داری ایران با 26 سال حاکمیت خود مصائب بیشماری را به کارگران و زحمتکشانشان تحمیل کرده است. بحرانهای عمیق اقتصادی و سیاسی هر روز گسترده تر می گردد، بیکارسازی ها در ابعادی وسیع همچنان ادامه دارد. عدم پرداخت دستمزدهای ناچیز کارگران به بهانه های واهی، به گلوله بستن صف کارگران معترض به جرم بدیهی ترین مطالبات و خواست اقتصادی اشان. اما برغم تمامی این سرکوب ها و کشتارها طبقه کارگر به رزم و اعتراض خود ادامه می دهد. چرا که مبارزه طبقات جاری است.

رفقای کارگر، فعالین انقلابی و روشنفکر

ما تمامی فعالین منفرد و محافل جنبش کارگری را فرامیخوانیم به برپائی سازمانیابی کمونیستی کارگران، از طریق فعالیت در مسیر اشاعه و بسط مواضع کمونیستی، در راستای ایجاد حزب انقلابی

کمونستی انترناسیونالیستی کارگران گام های عملی بردارند. تاریخ مبارزه طبقاتی پرولتاریای بین المللی این حقیقت مسلم را به او نشان داده است. تنها راه ممکن برای رهائی کل بشریت از همه مصائب و بی عدالتی ها، هر نوع استثمار و بهره کشی ، نابودی نظام مزدی سرمایه، وقوع یک انقلاب کارگری است، که میتواند طلوعه سرنگونی نظام سرمایه داری را به ارمغان بیاورد.

نابود باد نظام سرمایه داری !

زنده باد کمونیسم !

زنده باد اول ماه مه سرخ !

پیکارگر کمونیست!

www.peykargar.com